



گزارش «وطن امروز» از پیامدهای خسارت بار عدم واکنش عملی دولت در برابر اجرای شدن قانون «مادر تحریم‌ها» علیه ایران
فراانسه، انگلیس و آلمان در بیانیه‌ای اعلام کردند برای پیشروی درباره برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران با آمریکا همکاری می‌کنند

دولت با ترامپ همراهی نکند

صفحه ۲

چرا می‌گوییم برجام پاره شد؟

■ مهدی محمدی

یادداشت یک زاهرا وقت آن رسیده که به یک سوال مهم به طور شفاف پاسخ داده شود. وقتی می‌گوییم آمریکا از برجام خارج شد یا برجام را پاره کرد، مقصود دقیقا چیست و مشخصا چه اتفاقی باید بیفتد تا بتوان گفت آمریکا از برجام خارج شده است؟

یک معنای خروج از برجام این است که آمریکا رسماً اعلام کند از برجام خارج می‌شود. این یعنی رئیس‌جمهور آمریکا از waive کردن تحریم‌ها در مهلت زمانی مشخص خودداری کند یا کنگره تحریم‌های تعلیق شده در برجام را مستقیماً بازگرداند.

اما این تنها معنای خروج از برجام نیست. در واقع این رسمی‌ترین و ساده‌ترین شکل خروج از برجام است که آمریکا را به مقصر اول و آخر به هم خوردن توافق بدل می‌کند.

شکل دیگر خروج از برجام این است که آمریکا تحریم‌های تعلیق شده در برجام را موضوعاً و صدقاً در قالب عناوین و قوانین دیگر بازگرداند، بدون آنکه رسماً اعلام کند از برجام خارج شده است. در این حالت هم آمریکا از برجام خارج شده بی‌آنکه به این موضوع اعتراف کند و هزینه‌های حقوقی خروج رسمی از برجام را بپردازد. قانون کاتسا که ۱۸ روز دیگر اجرایی خواهد شد دقیقا چنین کاری می‌کند اما مساله را به گونه‌ای پیچیده کرده که نتوان بسادگی گفت آمریکا با بازگرداندن تحریم‌های برجامی توافق را نقض کرده است.

خروج از برجام یک معنای دیگر هم می‌تواند داشته باشد و آن انداختن برجام در دلای است که انتهای آن لغو توافق از سوی آمریکا باشد. این کاری است که ترامپ انجام داد. ترامپ تداوم برجام از سوی آمریکا را مشروط به شروطی کرد که بخوبی می‌داند حتی روحانی و ظرفی هم مخالف آن هستند. طی ۶۰ روز آینده یا ترامپ باید از شروط خود به نحوی کوتاه بیاید یا اینکه توافق پایان خواهد پذیرفت البته مشروط به اینکه کنگره در اصلاح قانون کروکر - کاردین یا در یک قانون جدید شروط ترامپ را لحاظ کند.

بنابراین ملاحظه می‌کنید که خروج از برجام

همصدایی با ترامپ!

■ حسین قدیانی

یادداشت دو دشمنی‌های رئیس‌جمهور آمریکا با ایران، صرفاً اگر بسنده کردن به مشتتی یابوه‌گویی بود، ایرادی نمی‌داشت حسن روحانی هم از این‌ور، چند جمله‌ای علیه نفر اول کاخ سفید، حرف بزند و تمام! واقعیت اما آن است که ترامپ در مقام عمل نیز به خصومت سابقه‌دار شیطان بزرگ با ملت ایران به بدترین شکل ممکن ادامه داد و با «اعمال قانون مادر تحریم‌ها» یعنی همان که خود یانکی‌ها «سنگین‌ترین رژیم تحریم‌ها در طول تاریخ» می‌خوانند، شدیدترین فاز دشمنی با جمهوری اسلامی را کلید زد! و این در حالی است که آقای روحانی پیش از این گفته بود: «دوران مادر تحریم‌ها گذشته!» پس جواب آنچه ترامپ گفت، اگر فقط حرف باشد؛ در جواب آنچه ترامپ عملیاتی کرد، باید ما هم در مقام عمل واکنش نشان دهیم و الا «حرف‌درمانی» درمان عوارض بی‌حد و حساب اجرایی شدن مادر تحریم‌ها یا همان «کاتسا» نیست! ناظر بر ۳ موضوع بسیار مهم تند و تیزی، گستردگی و میزان سختگیری، واقعا باید درباره «مادر تحریم‌ها» جدا از تحریم‌های دیگر سخن گفت! و این نکته را هم ترامپ می‌داند و هم روحانی! لذا اینکه رئیس‌جمهور ما بیاید وسط و اعلام کند: «سپاه نه‌تنها محبوب ملت ایران، بلکه محبوب منطقه هم هست». اگر چه موضع‌گیری لازمی است لیکن هرگز کافی نیست! پس دیگر زمان «حرف‌درمانی» نیست! واقعا برخی انتظار دارند ترامپ جلوی دوربین توافق را به آتش بکشد تا بتوان گفت از برجام خارج شده؟ در نهایت البته این نکته را منتفی ندانید که همه این داستان‌ها بازی‌هایی باشد برای اینکه ترامپ روزی در همین نزدیکی‌ها اعلام کند اسماً خود، اقلی از تناسب را فراهم کند و این تناسب، با بیان ۴ تا جمله بر خلاف جملات روزهای مناظره و شب‌های میتینگ، به‌دست نمی‌آید! اینکه امروز به‌رغم درشت‌گویی‌های پیشین، چند کلام سخنان درست درباره سپاه بگوییم، جواب کلید زدن رژیم تحریم‌های فراگیر توسط شیطان بزرگ نمی‌شود! نه ما ساده هستیم و نه محتاج چند مخدر جهت تسکین الام! اینکه سپاه خوب است و علیه تروریست‌هاست و مظلومانه و بی‌چشمداشت، مشغول متوقف‌نگه داشتن دشمن در همان سنگ‌های ابتدایی است و در این راه

ادامه در صفحه ۵

جلوی ضرر را نمی‌گیرید؟!!

■ امیراستکی

یادداشت سه تصور مردم و نخبگان قبل از حصول توافق بر سر برنامه هسته‌ای ایران درباره ماحصل این توافق، در حد گسترده‌ای به ترتیب، مبتنی بر یک خوشبینی و یک شوق بود. خوشبینی‌ای که در مردم به واسطه شوق فراوان نخبگان سیاسی برنده انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری ایجاد شده بود. خوشبینی‌ای که ناشی از تصویرگری نخبگان یاد شده از سهل‌الوصول بودن شرایط بهتر اقتصادی یا به جریان انداختن مذاکرات با رویکردی سهل‌گیرانه و به دور از ایده‌ها و ایستارهای ارزشی سابق بود. در آن روزها بدبینی نسبت به این تصور ساده و خوشبینانه بشدت رنگ و بوی تخریب و تمسخر به خود گرفت و دلواپسی به یک برن برای سرکوب سیاسی مخالفان این ساده‌سازی گسترده اعلامی شد. منتقدان این روند با بزرگ‌ترین همه‌های رسانه‌ای و ایجاد تصویری زشت از آنها که آنها را مسبب همه کم و کاستی‌ها و فشارهای موجود معرفی می‌کرد، به حاشیه رانده شدند. در آن روزها فضا برای منتقدان بسیار سخت و نفسگیر بود. جناب ظریف حین مذاکرات و پس از حصول توافق موسوم به برجام به سه طرف‌های آمریکایی اعلامی می‌داد که شکست مذاکرات و برجام به قدرت گرفتن تندروها در انتخابات بعدی ریاست‌جمهوری ایران منجر خواهد شد. این یک اعتراف به پذیرش روندهای کلان حاکم بر مناسبات قدرت در جهان و در اصل چراغ روشن تلویحی به باز بودن باب تغییر رفتار ایران در مابقی چالش‌هایش یا قدرت‌های جهانی بود. البته هر چه زمان بیشتری از انعقاد حاصل از برجام تبدیل می‌شد. نخبگان پدید آورنده برجام در نگاه حقایق هم‌اکنون در دام «هزینه انجام شده» افتاده‌اند و در نگاه حداکثری مجبور به «شتاب دادن به روند شیفت پارادایمی» فوق‌الذکر هستند، چرا که فرصتی که برجام ایجاد کرده بود بیش از آنچه تصور می‌شد، کوتاه و نامطمئن بود. در ابتدای این مختصر اشاره کردیم که یک تصویر ساده و سریع از نتایج چشم‌داشتی مذاکرات هسته‌ای در میان نخبگان حاکم وجود داشت اما این تصویر چگونه بود؟ به شکل خلاصه این تصویر مبتنی بود بر آمادگی برای تعطیلی موثر برنامه

ادامه در صفحه ۵